

بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرایم نزع و درگیری (مطالعه موردی شهرستان قم)

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۲

عباس مسعودی،^۱ سید سیامک فتح الهی،^۲ محمد میرزایی^۳

از صفحه ۵۷ تا ۸۶

چکیده

مسئله و هدف: بدون شک افزایش جرایم و ناهنجاری‌ها یکی از نتایج رشد سریع شهرهاست. مکان و زمان و انسان سه عنصر اصلی در شکل‌گیری پدیده مجرمانه محسوب می‌گردد. لذا، توزیع نابرابر انواع جرایم و بزهکاران، ناشی از تفاوت در ساختار مکانی، زمانی و رفتاری، می‌باشد. در واقع گونه‌های خاصی از بزهکاری از جمله نزع در بسترهایی از این ساختارها، شکل می‌گیرند. نوشتار حاضر به بررسی تأثیر پدیده حاشیه‌نشینی بر وقوع جرایم نزع و درگیری در یکی از کلاشهرهای مهم کشور یعنی شهر مقدس قم، که دارای ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی خاصی می‌باشد پرداخته است. **روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل چهل و پنج نفر از افسران شاغل در فرماندهی انتظامی شهرستان قم می‌باشد که حداقل مدت پنج سال سابقه کار در دواير قضایی و پیشگیری کلاتری‌ها و پاسگاه‌ها را داشته‌اند. در راستای جمع‌آوری اطلاعات، به منظور تدوین ادبیات تحقیق، از روش کتابخانه‌ای و فیش برداری استفاده شده است. در مرحله دوم، با استفاده از پرسشنامه به بررسی و نظرسنجی در مورد تأثیر حاشیه‌نشینی و عوامل موثر بر آن، بر میزان وقوع جرایم نزع و درگیری پرداخته شده است. **یافته‌ها و نتایج:** بر اساس نتایج تحقیق می‌توان بیان داشت که نزع یک پدیده چند بعدی است که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن تأثیر دارند از جمله؛ مسائل و مشکلات فردی، روانی و عاطفی و هم مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی. تعیین این که کدام عامل تأثیر گذارتر است، موضوع پیچیده‌ای است که بسته به شرایط متفاوت است. نتایج تحقیق بیانگر این است که تلفیقی از همه عوامل بررسی شده فوق در این امر دخیل می‌باشند که برای کاهش و پیشگیری از نزع باید در راستای کنترل و رفع این عوامل برنامه ریزی نمود.

واژه‌های کلیدی: بزهکاری، نزع و درگیری، شهرستان قم، حاشیه‌نشینی.

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) md92.mirzaei@gmail.com

مقدمه

مرتفع ساختن اساسی ترین توقعات و نیازهای زندگی بشری و توسعه خواهی انسان از از ملزومات توسعه زندگی بشری و نیاز به اجتماعی زیستن انسان بوده است انسان در کنار این زندگی اجتماعی همیشه دو هدف عمده را دنبال نموده است؛ اول، از آنجا که در جهان امروز راه توسعه از گذرگاه جمعیت می گذرد، گذر از این عرصه به سلامت ممکن نیست، مگر این که مردم و دولت یک کشور، تحرک جمعیتی و تغییرات حاصل از آن را شناخته و با درکی صحیح از عواقب و آثار آن، سیاستی سنجیده در پیش گیرند.

اما آن چه از ذهن بشر به دور مانده، بهای این توسعه خواهی است. باید تأکید کرد یکی از راه هایی که انسان را به این خواسته دیرینه اش سوق داده شهر نشینی بوده است. جوامع بشری به سرعت در حال پیروی به سوی زندگی شهری هستند به گونه ای که این موضوع، امروزه به یکی از دغدغه های اصلی جامعه شناسان تبدیل شده و ذهن آنها را به چالش کشیده است؛ به ویژه در کشورهای در حال توسعه که رشد شهرگرایی بیشتر از کشورهای توسعه یافته می باشد.

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، توسعه شهری با روندی سریع و شتابان همراه بوده که این انبساط بی رویه، مصایب و معضلاتی را با خود به همراه داشته است. در این میان، حاشیه نشینی به عنوان آینه تمام نمای مسائل اجتماعی (ناسازگاری، انحرافات، ناهنجاری ها، آشفتگی ها، نظم گریزی، فقدان انسجام اجتماعی و...) رخ نمایانده و اندیشمندان علوم اجتماعی و جرم شناسی را برای حل آن به مبارزه می طلبد. حاشیه نشینی پدیده ای جهانی است که فقط خاص کشورهای در حال توسعه نیست؛ ولی چگونگی برخورد با این پدیده عاملی برای تمایز بین کشورهای توسعه نیافته و نقش مدیریت در به کنترل در آوردن آن است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

بر اساس تحقیقات صورت گرفته، در سالهای اخیر شاهد رشد بی رویه شهرها و در نتیجه افزایش حاشیه نشینی به عنوان نتیجه ملازم شهرنشینی بوده ایم. در سال

۱۳۸۳ هجری شمسی، حداقل شش میلیون نفر از جمعیت شهری کشور ایران را حاشیه‌نشینان تشکیل داده و برآورد می‌شود تا سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، شمار شهرنشینان کشور دو برابر شود. جمعیت شهرنشین جدید کم درآمد، حدود پنج تا هفت میلیون نفر می‌باشد؛ در این صورت و با تداوم روند موجود در دهه آتی، تعداد شهرنشینان غیررسمی به بیش از دو برابر امروز خواهد رسید (صرافی و محمدی، ۱۳۸۴: ۳۹).

و اما در این برهه زمانی، حاشیه‌نشینی در شهرستان قم به مسئله حادی تبدیل شده است؛ زیرا این شهر با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، اجتماعی و مذهبی خود، دارای شرایط ویژه‌ای است که آن را از سایر مناطق کشور متمایز می‌سازد. اصولاً به جهت تک شهرستانی بودن استان قم، دارای مناطق حاشیه‌ای و اسکان غیررسمی زیادی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از محله‌های شیخ آباد، محمدآباد، زندآباد، شهر قائم و ...

در نظر گرفتن این موضوع از جهات مختلف و به ویژه از منظر عدالت اجتماعی، رشد فضایل اخلاقی، رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه، بسیار مهم و حیاتی است؛ ضمن این که تداوم شرایط موجود باعث افزایش فاصله طبقاتی بین حاشیه‌نشینان و شهرنشینان خواهد شد.

بررسی مشخصات کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل‌کننده ارتکاب جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر بزهکاری، امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری را فراهم می‌آورد (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۷۵).

به همین دلیل، مطالعه نوع و میزان بزهکاری و شناخت الگوهای اجتماعی، فضایی و جغرافیایی این ناهنجاری‌ها و بررسی بزهکاری غالب آن مناطق (نزاع و درگیری) و علل وقوع و راه‌های پیشگیری از آن از ضروریات انجام پژوهش حاضر است.

پیشینه پژوهش

با توجه به تأثیر فراوان و مهم حاشیه نشینی و محیط های ارتکاب جرم بر نرخ جرایم، دیدگاه های مختلفی از منظر جامعه شناختی و جرم شناختی شکل گرفته و یا در حال شکل گیری است که هر کدام در نوع خود به بررسی عوامل مکانی کجروی ها و شناسایی مکان های مستعد برای ارتکاب بزه در شهرها و تلاش برای پیشگیری و کنترل جرایم ناشی از آنها پرداخته اند.

بررسی های متکی بر روش علمی و مبتنی بر روش های آماری پیرامون تأثیر محیط بر نرخ و نوع جرم برای اولین بار در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی به وسیله «کتله» و «گری» صورت گرفت (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۴).

کتله به عنوان یک فیزیکی‌دان نشان داد که جرایم در سطح یک جامعه مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی، اجتماعی، زمانی و مکانی هستند. این تحقیقات موجب بروز یک جنبش علمی نوین در زمینه آمار جنایی به نام «کتلتیسم»^۱ گردید. اهمیت مطالعات کتله در زمینه جغرافیای جرایم به حدی بود که در برخی از منابع، وی را به عنوان «پدر علم آمار جنایی» معرفی نموده اند و گفته می شود تحقیقات وی باعث شده است که جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی، تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود. «گری» نیز در سال ۱۸۳۳ میلادی، در پنج ناحیه فرانسه به بررسی رابطه بین فقر، تراکم جمعیت و تعلیم و تربیت با انواع جرایم پرداخت.

«فری» معتقد بود جرم نتیجه عوامل پیچیده و قاطع سرشت انسانی و محیط جغرافیایی، اعم از طبیعی و انسانی است (کی نیا، ۱۳۷۳: ۴۶۹ و ۴۷۴).

در زمینه تأثیر عوامل محیطی و عوامل اجتماعی نیز دانشمندان بسیاری مانند «پیناتل»، «ساترلند»، «استفانی» و غیره مطالعات و نظرات فراوانی داشته اند.

در سال ۱۹۲۵ میلادی، «راسن» با بررسی آمارهای قضایی انگلستان و ولز مطالعاتی در خصوص جغرافیای جنایت به عمل آورد. این دانشمند در مطالعات خود

۱. Quetletism

به این نتیجه رسید که تراکم جمعیت، یکی از عوامل افزایش جرم و جنایت است. در سال های ۱۹۲۹ و ۱۹۴۲ میلادی، مفاهیم بوم شناسی شهری که در مکتب شیکاگو پایه گذاری شده بود به وسیله دو پژوهشگر برجسته به نام «شاو» و «مک کی» به کار گرفته شد؛ ایشان به بررسی ارتباط امواج پی در پی مهاجرت و پدیده مجرمانه پرداخته و حرکت مهاجران را ابتدا به مناطق فقیرنشین مرکز و سپس به مناطق حاشیه ای مورد توجه قرار دادند. این پژوهشگران با استفاده از ویژگی های زیست محیطی شهر، نتیجه بررسی های خود را به این شرح منتشر کردند:

- بالاترین نرخ جرم و جنایت در مکان هایی است که در آنجا خانه های اجاره ای ارزان قیمت بیشتر است؛

- مجرمان بیشتر در محلاتی زندگی می کنند که در آنجا مجرمان با سابقه، حضور بیشتری دارند؛

- جرم و جنایت از الگوهای اجتماعی و فیزیکی شهر تبعیت می کند؛ به بیان دیگر، وجود نارسایی در تشکیلات پلیس و دادگستری و بخش های رو به ویران شهر، زمینه های مساعدی جهت ارتکاب جرم فراهم می سازد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۶).

در سال ۱۹۶۹ میلادی، «جفری» نخستین کسی بود که عبارت «پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی محیطی» را به کار برد. او به برنامه های طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم تأکید داشته و به نظر وی، مراقبت های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان ها و فضای شهری، عامل مهمی در کنترل جرایم شهری است.

وی بر فرصت هایی که محیط در اختیار بزهکاران قرار می دهد تأکید کرده و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت ها می دانست (کوزنس، ۲۰۰۰: ۱۰؛ کلارک، ۱۹۹۷: ۳۰).

به نظر «جاکوبز» دیدگاه «CPTED»^۱ بهترین ابزار برای کاهش فرصت های محیطی است. این دیدگاه بر پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی تأکید می کند.

در سال ۱۹۷۳، «نیومن» دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح نمود. او اعتقاد داشت که تغییر در محیط فیزیکی باعث واکنش مجرمین می‌شود، بدین صورت که بزهکاران مجبور به تغییر در رفتار خود و یا تغییر در محل ارتکاب جرم می‌شوند (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۴۲).

بر اساس پژوهشی که در سال ۱۹۸۱ میلادی در خصوص توزیع فضایی جرم با توجه به نوع کاربری‌ها در شهرها انجام شد، مشخص گردید که فعالیت‌های غیرقانونی بیشتر در نزدیکی شریان‌های اصلی حمل و نقل و شاهراه‌ها متمرکز است؛ هم‌چنین، بین میادین اصلی و چهارراه‌ها که دارای عملکردهای گوناگون هستند، میزان بسیار بالایی از جرایم اتفاق می‌افتد (فینس و ویدام، ۱۹۹۷: ۱۵). از آنچه که ذکر شد و با دقت در عوامل مختلفی که باعث ارتکاب جرم می‌شوند، تداخل، تأثیرگذاری و رابطه تنگاتنگ محیط‌های حاشیه‌ای شهرها بر ارتکاب جرایم بیشتر مشخص می‌گردد.

سوالات پژوهش

۱. ابعاد مختلف حاشیه نشینی در شهرستان قم چگونه است؟
۲. حاشیه نشینی چه تاثیری بر وقوع جرایم، علی‌الخصوص جرم نزاع و درگیری در شهرستان قم دارد؟
۳. راهکارهای کاهش نرخ بزهکاری (نزاع) در مناطق حاشیه‌ای شهرستان قم چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. حاشیه نشینی در قم بیشتر به حاشیه نشینی محروم متمایل بوده و به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی به وجود آمده و در حال افزایش است.
۲. مهم‌ترین کانون‌های جرم خیز در زمینه بزه نزاع و درگیری در شهرستان قم در مناطق حاشیه نشین قرار دارد.

۳. حاشیه نشینی سبب پیدایش خرده فرهنگ ها و فراهم نمودن زمینه های وقوع نزاع و درگیری می شود.

مبانی نظری

الف: تعریف مفاهیم

۱. حاشیه نشینی: اندیشمندان علوم اجتماعی و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه نشینی ارائه کرده اند. برخی عقیده دارند حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهرها زندگی کرده، ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده‌اند.

«چارلز آبریکایز» حاشیه نشینی را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری از سوی عده‌ای به قصد تهیه مسکن دانسته است. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب های صنعتی و بازارهای کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرینی روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی، راهی شهرها می شوند.

تعبیر دیگری که از حاشیه نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می شود را به ذهن متبادر می سازد.

البته به نظر می رسد که به تعبیر یاد شده باید اوصافی همچون عدم امنیت، جرم زا بودن و پناهگاه امن برای بزهکاران را نیز اضافه نمود.

به عقیده «کلینارد» حاشیه نشینی مسئله و عارضه ای شهری است که منشأ عمده بزهکاری و جرم و دارای اشکال مختلف می باشد. بنا بر این می توان چنین نتیجه گرفت که حاشیه نشین فردی است مهاجر یا غیرمهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری، در حاشیه واقع شده است. این افراد بیشتر به علت عوامل رانشی و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک

کرده و به شهرها روی می آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل دافع از سوی دیگر، از محیط شهری پس زده می شوند و به تدریج به کانون های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت هایی از شهر سکنی می گزینند، به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آنها غالباً غصبی است؛ در واقع این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی با جمعیت شهری تمایز دارند.

۲- **منازعه (نزاع و درگیری):** منازعه در لغت به معنای مخاصمه و دشمنی کردن دو جانبه آمده و در عرف و اصطلاح، معادل مشارکت در زد و خورد استفاده شده است (پاد، ۱۳۷۵: ۱۵).^۱

رکن مادی جرم نزاع، عمل مرتکبان، تعداد آنها و نتیجه مورد بررسی قرار می گیرد. عمل مرتکبان در جرم منازعه از باب مفاعله به معنای مشارکت آمده است و مشارکت به معنی اقدام متقابل است. بنا بر این، اگر چند نفر شخص واحدی را به صورت یک طرفه مورد ضرب و جرح قرار دهند و عمل متقابلی از سوی آن شخص انجام نگیرد منازعه مصداق پیدا نمی کند.

در خصوص این که تعداد منازعین حداقل چند نفر می باید باشد اختلاف نظر وجود دارد؛ یک نظر بر آن است که منظور از کلمه عدّه در متن ماده فوق، سه نفر یا بیشتر است (صادقی، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

در این نظریه تعداد هر یک از طرفین نزاع اهمیتی ندارد ولی جمع آنها نباید از سه نفر کمتر باشد. در خصوص نتیجه نیز باید گفت منازعه جرمی است مقید به نتیجه و نتیجه می باید از نوع بدنی، اعم از نقص عضو، قتل و یا ضرب و جرح باشد؛ اما در

۱. ماده ۶۱۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان می دارد: «هرگاه عدّه‌ای با یکدیگر منازعه نمایند، هر یک از شرکت کنندگان در نزاع بر حسب مورد به مجازات زیر محکوم می شوند:

- ۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود، به حبس از یک تا سه سال؛
 - ۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود، به حبس از شش ماه تا سه سال؛
 - ۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود، به حبس از سه ماه تا یک سال.
- تبصره ۱: در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود، مشمول این ماده نخواهد بود.
تبصره ۲: مجازات های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد. »

صورتی که درگیری به نتایج دیگری مانند هتک حیثیت یا آبروی اشخاص یا اخلال در نظم و آسایش عمومی منجر گردد یا مردم را از کسب باز دارد، موضوع منازعه نبوده، ولی می‌توان مرتکبان را بر اساس ماده ۶۱۸ ق.م.ا محکوم نمود (ولیدی، ۱۳۷۹: ۸۵).

و اما از لحاظ رکن معنوی جرم نزاع، می‌توان ادعان داشت که منازعه جرمی است عمدی و رکن معنوی آن با احراز عمد مرتکب به شرکت در نزاع محقق خواهد شد. این جرم اگر چه جرمی است مقید، اما نیازی به احراز سوء نیت خاص مرتکب نیست. به بیان دیگر، اثبات این که مرتکب علاوه بر قصد شرکت در نزاع خواستار نتیجه (قتل، نقص عضو و یا ضرب و جرح) نیز بوده لزومی ندارد، مگر این که مرتکب جنایت، مشخص باشد. بنا بر این به طور خلاصه، ورود عمدی و داوطلبانه افراد به ماجرا به قصد نزاع کافی خواهد بود.

ب. نظریات جرم شناختی

۱. مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی: طبق آموزه های این مکتب که «لاکاسانی» پایه گذار آن است، مجرم یک بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی او را جنایتکار کرده است. بر اساس این نظریه، منشأ تبهکاری در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی است. به عقیده طرفداران این مکتب، بزهکار یک میکرب اجتماعی است و هر میکرب در محیط خاصی رشد می کند و از این رو، وجود شرایط مساعد در محیط، موجب رشد و ظهور تبهکاری می گردد.

به عقیده لاکاسانی، مجرم قربانی نظام اجتماعی بوده و مسئول جرم ارتكابی خود نمی باشد و اجتماع به علت سهل انگاری و غفلت او را به جرم کشانده است؛ بنا بر این، جرم نزاع و درگیری که در مناطق حاشیه ای اتفاق می افتد متأثر از اختلاف در نظام اجتماعی است (دانش، ۱۳۷۸: ۲۳۴).

۲. نظریه بی هنجاری^۱: «دورکیم» جامعه شناس معروف فرانسوی و بنیانگذار علم جامعه شناسی، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می کند

و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است. از نظر او بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد؛ از دیدگاه او می باید این نظریه که به عوامل اصلی تفکیک معیارها و هنجارهای اجتماعی پرداخته و تأکید می شود که سستی ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، موجب روی آوردن افراد به رفتارهای انحرافی از جمله خشونت و به طور خاص نزاع و درگیری می شود (سخاوت، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

در جرم شناسی از تئوری وی با نام «نظریه بی هنجاری اجتماعی» یاد می شود. با دقت در این نظریه، تأثیر حاشیه نشینی که خود نوعی محیط اجتماعی بی هنجار با شرایط خاص است در وقوع جرم، به ویژه نزاع مشخص می شود. هر چند اندیشمندان بر عوامل کنترل شخصی و درونی و نیز، عوامل کنترل اجتماعی تأکید نموده اند، ولی از تأثیر محیط نمی توان غافل ماند (سروستانی، ۱۳۸۱: ۹۴).

۳. نظریه هم نشینی افتراقی^۱: «ساترلند» عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم زا قرار گیرد تا غیر جرم زا، شانس و احتمال قانون شکنی اش افزایش می یابد. در واقع، یادگیری از طریق کنش های متقابل مستقیم و غیرمستقیم با دیگران صورت می گیرد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۴۰۲).

به علاوه وی اظهار می نماید که اشخاصی در معرض عوامل جرم زا واقع می شوند که برای سهیم بودن در همان فرهنگ، علایق و عقایدی داشته باشند و در آن، اشکال معینی از رفتار ضد اجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس کنند که برای هم نوایی به آنها نیاز دارند.

ساترلند بر این باور است که رفتار مجرمانه مانند تمامی رفتارهای دیگر آموخته می شود و موروثی و ذاتی نیست. بر حسب دیدگاه این دانشمند، هر یک از انسان ها در گروه های خاص خود، تعاریف یا معانی هنجاری مساعد یا نامساعد را درباره تخلفات قانونی می آموزند، اما یک فرد هنگامی مجرم می شود که تعاریف مساعد درباره تخلف های قانونی را بیش از تعاریف نامساعد در باب آنها پذیرفته باشد (جرج ولد و همکاران، ۱۳۷۸: ۳).

در این باره می‌توان به «نظریه تقلید»^۱ که از سوی «تارد» ارائه شده و بیان می‌دارد که فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید مبتنی بر تجربه‌های یادگیری مشاهده‌ای است نیز اشاره کرد. بر اساس این نظریه، محیط پیرامونی افراد قومی و قبیله‌ای و رفتارهایی که در آن محیط به وقوع می‌پیوندد الگوهای رفتاری می‌باشد که افراد دیگر از آن تقلید می‌نمایند و نزاع‌ها و درگیری‌ها از آن جمله‌اند.

۴. **نظریه فشار**^۲: «مرتین» در مقاله‌ای که برای نخستین بار در سال ۱۹۳۸ میلادی منتشر شد، مفهوم نظریه دورکیم را ماهرانه مورد بررسی مجدد قرار داده و ابراز داشت که اگر از لحاظ فرهنگی اهداف تجویز شده برای فرد غیر قابل حصول گردد (همچنان که برای بیشتر افراد جوان و طبقه کارگر و طبقه پایین پیش می‌آید)، بین آنچه برای ایده آل بودن پایدار می‌ماند و آنچه قابل حصول است اختلاف حاصل می‌شود که نتیجه آن، به سرخوردگی و سرکشی بعدی منجر می‌شود. نظریه فشارهای ساختاری مرتین، رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می‌داند که بعضی از مردم را وادار به انحراف می‌سازد. تعبیر بسیار ساده این نظریه در یک ضرب المثل قدیمی آمده است که «فقر باعث انحراف و تبهکاری می‌شود.» (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

نتایج تحقیقات انجام شده در ایالات متحده در خصوص دو موضوع فقر و بیکاری که عوامل اصلی مهاجرت هستند نشان دهنده پیوندهای آشکار این دو موضوع با جرم می‌باشد (سلیمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

دانشمندان دیگری گرایش جوانان به بزهکاری را بر حسب ساختار فرصت مشروع و نامشروع مورد توجه قرار داده‌اند. به کارگیری مفهوم فرصت‌های نامشروع در نظریه آنان برای تکمیل نظریه مرتین بود که به فرصت‌های مشروع پرداخته است. به نظر آنها، رابطه میان ارزش‌های فرهنگی از یک سو و فرصت‌های مشروع و نامشروع از سوی دیگر تعیین‌کننده انواع و فراوانی بزهکاری است (تیلور و دیگران، ۱۹۷۳: ۲۹).

همین دید باعث به وجود آمدن «نظریه فرصت افتراقی»^۱ گردید. بر این اساس، محرومیت در استفاده از فرصت‌ها، جوانان طبقه پایین جامعه را مستعد رفتار بزهکارانه می‌کند و قضاوت جوانان طبقات پایین جامعه این است که نظام اجتماعی عادلانه نبوده و تبعیض آمیز می‌باشد. در این مسیر، حاشیه‌نشینی می‌تواند باعث تشدید نظام طبقاتی و بالا بردن نرخ جرایم و از آن جمله، جرایم خشن گردد.

۵. نظریه پرخاشگری^۲: بنابراین نظریه، کسانی که دچار ناکامی می‌شوند و مورد بی‌اعتنایی یا در معرض تهدید قرار می‌گیرند، رفتاری پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند؛ چرا که در شرایط ناکام‌کننده، پرخاشگری یک پاسخ طبیعی و تقریباً خودکار است. از این دیدگاه یک محرک که رفتاری خاص و از میان خشونت را بر می‌انگیزد، بیش از آن که فطری باشد، بر تجربه اکتسابی مبتنی است.

به عبارتی با افزایش تدریجی کشاننده، فرد کوشش می‌کند تا شرایط خاص انجام رفتارهایی را فراهم کند که بتواند کشاننده را کاهش دهد؛ اگر این هدف با مانع برخورد کند و پاداش‌های مورد انتظار به دست نیایند حالت ناکامی ایجاد می‌شود (دادستان، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

از این رو، برآورده نشدن خواسته‌های افراد در میان اقشار محروم مناطق حاشیه‌ای و احساس عدم ارضای خواسته‌ها و انتظارات آنها از سوی نهادهای رسمی و قانونی، منجر به پاسخ به ناکامی‌ها و خواسته‌های عقیم مانده ایشان از طریق نزاع‌ها و درگیری‌ها را توجیه می‌کند.

۶. نظریه تضاد^۳: نظریه تضاد بر اساس دیدگاه «مارکس» شکل گرفته و بر این پیش فرض متمرکز شده است که سرمایه‌داری به علت ویژگی‌های خاصی که در ماهیت این نظام وجود دارد، نظیر نابرابری طبقاتی، روابط طبقاتی آشتی‌ناپذیر و استثمار از کار انسان در ارتباط با منافع طبقات مسلط جامعه، موجب می‌گردد که آنها را از خود بیگانه نموده و جرم و بزهکاری را به وجود آورد.

«چامبلیس» و «سیدمن» عقیده دارند که چنین شرایطی در هر جامعه پیچیده‌ای

1. Differential Opportunity Theory
2. Aggression Theory
3. Conflict Theory

که دارای نظام طبقاتی باشد به وجود می‌آید (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

بنا بر این، حاشیه‌نشینی هم یکی از نشانه‌های وجود اختلاف طبقاتی در جامعه و از عوامل مشدّد آن است که خود می‌تواند از علل اصلی نزاع‌ها و درگیری‌ها محسوب گردد.

۷. نظریه کنترل: این نظریه بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه هم چنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل شخصی و درونی می‌داند. بنا بر این، بزهکاری و جرم از یک سو در نتیجه عدم اعتماد به نفس و ناکامی و روان پریشی است و از سوی دیگر، نظام‌های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقیّد و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه، به رفتار انحرافی منتهی می‌شود. اندیشمندان نظریه کنترل در تبیین انحرافات اجتماعی، بر عوامل کنترل شخصی و درونی و عوامل کنترل اجتماعی تأکید نموده‌اند (سروستانی، ۱۳۸۱: ۹۴).

بر این اساس، جرایم مختلف و به ویژه نزاع و درگیری، اغلب به دلیل عدم وجود نظارت درونی و بیرونی اتفاق می‌افتد و در مناطق حاشیه‌ای به دلیل عدم وجود امکان کنترل کافی توسط نهادهای نظارتی امنیتی، امکان وقوع نزاع بیشتر خواهد بود.

تحقیقات متخصصان مرکز جرم‌شناسی و کرسون پاریس نشان می‌دهد که بیست و سه درصد جوانان مجرم در مناطقی زندگی کرده‌اند که دارای جمعیت زیاد بوده و بیست و دو درصد ایشان در ساختمان‌هایی زندگی کرده‌اند که علاوه بر کثرت جمعیت، در آنجا مشکل مسکن نیز وجود داشته است.

دو دانشمند فرانسوی به نام‌های لافون و میشو در سال ۱۹۷۶ تحقیقاتی در شهر گرانبویل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است بوده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان در این محلات و ساختمان‌های

مخروبه از حدّ متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیادتر بوده است. در واقع، هجده درصد بزهکارانی که جرایم گوناگون را مرتکب شده اند اغلب در محله‌های مخروب و ناسالم ساکن بوده و سی و پنج درصد آنها کسانی بوده اند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد به سر می‌برده اند. این پژوهشگران نهایتاً رابطه میان محیط سکونت و بزهکاری را تأیید می‌نمایند.

ج. وضعیت جمعیتی استان قم

استان قم با ۱۱۲۳۸ کیلومتر مربع وسعت، تقریباً ۰/۶۸ درصد از مساحت کلّ کشور را در بر می‌گیرد و از شمال به استان تهران، از غرب به استان مرکزی، از شرق به استان سمنان و از جنوب به استان اصفهان محدود است.

جمعیت استان قم بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ برابر ۱۰۴۶۷۳۷ نفر بوده است که از این تعداد، ۹۸۳۰۹۴ نفر (معادل ۹۳/۹ درصد) در نقاط شهری و ۶۳۶۳۹ نفر (معادل ۶/۱ درصد) در نقاط روستایی ساکن هستند. در سال ۱۳۸۵ از نظر میزان شهرنشینی، استان قم بالاترین میزان شهرنشینی (۹۳/۸۹ درصد) را در بین همه استان‌های کشور به خود اختصاص داده است.

در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ روند مهاجرت به این استان، نسبت به دهه قبل شتاب بیشتری گرفته است و در طی این مدت، ۱۶۴۵۷۹ نفر به استان وارد و یا در سطح آن، جا به جا شده اند.

بررسی انگیزه مهاجران وارد شده به استان قم در ده سال ماقبل سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد ۵/۴ درصد مهاجرین به استان قم را کسانی تشکیل می‌دهند که در پی مهاجرت یکی از اعضای اصلی خانواده و به تبعیت از وی به استان قم مهاجرت کرده اند و در مناطق حاشیه ای ساکن شده و شهرک‌هایی مانند قائم، شیخ آباد و... را به وجود آورده اند.

با توجه به این که مهاجرت‌ها از مناطق متعدد و با قومیت‌های متفاوت صورت گرفته است، خرده فرهنگ‌ها در این مناطق از تنوع فراوان برخوردار بوده که می‌توان

به خرده فرهنگ های وابسته به قومیت های ترک، لر، کرد، فارس، عرب و... اشاره نمود.

۷۱ ۱۸/۳ درصد مهاجرین برای به دست آوردن شغل و ۸/۲ درصد نیز جهت تحصیل به استان قم وارد شده‌اند.

۵۳/۳ درصد مهاجران وارد شده به استان را مردان و ۴۶/۷ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند.

رشد جمعیت شهر قم بر اساس پیش بینی طرح جامع شهرستان در بیست سال آینده روند کندتری خواهد داشت و از ۳/۶۵ درصد در دهه ۶۵ تا ۷۵ به ۲/۱۸ درصد در دوره بیست ساله ۷۵ تا ۹۵ کاهش خواهد یافت (گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان قم، ۱۳۸۵).

روش شناسی تحقیق

الف. نوع و روش تحقیق: تحقیقات علمی بر اساس دو مبنا یعنی هدف (ماهیت) و روش تقسیم بندی می شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۵۰). پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی و تحلیلی است.

ب. جامعه آماری و حجم نمونه: جامعه آماری پژوهش شامل چهل و پنج نفر از افسران شاغل در فرماندهی انتظامی شهرستان قم می باشد که حداقل مدت پنج سال سابقه کار در دواير قضایی و پیشگیری کلانتری ها و پاسگاه‌ها را داشته و به دلیل محدودیت تعداد، به عنوان حجم نمونه، به صورت تمام شمار در پژوهش شرکت داده شده اند.

ج. ابزار و روش های جمع آوری اطلاعات: در این پژوهش به دو روش صورت گرفته است.

۱. روش کتابخانه ای: در این روش با استفاده از مطالعه کتب، مجلات، پایان نامه ها، مقالات و سایر منابع اسنادی، جهت جمع آوری ادبیات تحقیق کوشش شده است. هم چنین در این تحقیق، از سوابق و پرونده های موجود در کلانتری ها و پاسگاه های

شهرستان قم به تعداد ۱۷۲ فقره که در یک بازه زمانی پنج ساله (از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸) در ارتباط با جرایم نزاع و درگیری فردی و جمعی تشکیل و مورد رسیدگی قرار گرفته اند استفاده شده است.

۲. روش میدانی: برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون فرضیات از ابزار پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته جهت سنجش نظرات جامعه آماری استفاده که به صورت طیف لیکرت سازماندهی و امتیازدهی شده است.

پایایی تحقیق

برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش برای محاسبه همابستگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه یا آزمون هایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کنند به کار می رود.

نتایج به دست آمده نشان داد که طیف تعصبات قومی و قبیله ای ۰/۷۹، طیف قانون گرایی ۰/۷۲، طیف بهداشت روانی ۰/۶۸، طیف احساس تعلق فرد به خانواده ۰/۶۶ و طیف دسترسی به امکانات ۰/۶۵، مبین این است که پرسش های طرح شده از اعتبار کافی برای ارزیابی محورها و ابعاد مورد نظر برخوردار بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تجزیه و تحلیل داده ها

توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب دلایل مختلف درگیری (جدول شماره ۱)

میانگین	پنج بار		چهار بار		سه بار		دو بار		یک بار		هیچ		دلایل درگیری
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۰/۲۴	-	-	-	-	-	-	۰/۶	۱	۲۲/۷	۳۹	۷۶/۶	۱۴۲	ناموسی
۰/۲۸	-	-	-	-	-	-	۲/۳	۴	۲۳/۳	۴۰	۷۷/۴	۱۲۸	تعصب قومی
۰/۷	-	-	۱/۲	۲	۲/۹	۵	۵/۲	۹	۴۶/۵	۸۰	۴۴/۲	۷۶	انتقام
۱/۲	۰/۶	۱	۱/۷	۳	۵/۸	۱۰	۱۸/۶	۳۲	۵۴/۱	۹۳	۱۹/۲	۳۳	تعصب خویشاوندی
۰/۶۲	-	-	-	-	۲/۹	۵	۵/۲	۹	۴۳	۷۴	۴۸/۴	۸۴	ملکی
۰/۳۵	۰/۶	-	-	-	-	-	۱/۷	۳	۲۳/۲	۴۰	۷۲/۷	۱۲۵	تحریک آسبز گفتار و رفتار

توضیح: جدول مبین این مطلب است که از دلایل عمده احصا شده برای درگیری ها، بیشترین مورد مربوط به تعصبات خویشاوندی با میانگین تعداد دفعات ۱/۲ و پس از آن انتقام جویی با میانگین ۰/۷ می باشد.

نگرش پاسخ گویان نسبت به گویه های طیف تعصبات قومی و قبیله ای (جدول شماره ۲)

میزان پذیرش	کاملاً مخالف		مخالف		تاحدودی		موافق		کاملاً موافق		میانگین عددی	ضریب همبستگی پیرسون
	۶	۳/۵	۲۱	۱۲/۴	۴۶	۲۷/۱	۸۰	۴۷/۱	۱۷	۱۰		
اگر ببینم یکی از افراد فامیلم با کسی درگیر شده است حتماً به او کمک می کنم	۶	۳/۵	۲۱	۱۲/۴	۴۶	۲۷/۱	۸۰	۴۷/۱	۱۷	۱۰	۳/۴۷	۱/۷۸
اگر ببینم یکی از بستگان نزدیکم با کسی درگیر شده است حتماً به او کمک می کنم	۲	۹/۲	۹	۵/۳	۴	۲/۴	۵۱	۳۰	۱۰/۴	۶۱/۲	۴۴/۴	۱/۷۷
اگر کسی به اعضای خانواده ام توهین کند ناراحت می شوم و عکس العمل نشان می دهم	-	-	۳	۱/۸	۱	۱/۶	۸۳	۴۵/۸	۸۴	۴۹/۱	۴/۴۵	۱/۶۱
اگر کسی با اعضای خانواده ام درگیر شود، بدون توجه به این که حق با چه کسی است یا طرف مقابل درگیر می شوم	۱۱	۷	۲۵	۱۴/۶	۳۱	۱۸/۱	۷۵	۴۳/۹	۲۸	۱۶/۴	۳/۴۸	۱/۸۳
اگر یکی از افراد همزمان با افراد دیگر گلاویز شود حتماً به او کمک می کنم	۱۰	۵/۸	۲۱	۱۲/۲	۱۷	۹/۹	۱۰۵	۶۱	۱۹	۱۱	۳/۵۹	۱/۷۶

تفاوت در سر جمع ها به دلیل پاسخ های بی جواب است.

بر اساس نتایج جدول فوق اکثر پاسخ گویان که از منازعین حاشیه نشین اند دارای تعصبات قومی قبیله ای زیاد هستند میانگین عددی جدول فوق بیانگر مطلب فوق است میانگین عددی از ۳/۴۷ تا ۴/۴۳ متغیر است که همگی بیش از حد توسط یعنی ۳ می باشد؛ نتایج حاصل از آزمون سازگاری طیف نشان میدهد که گویه ها رابطه معنی دار و قوی با سایر گویه ها دارد؛ ضرایب همبستگی پیرسون حاصل از این آزمون از ۶۱٪ تا ۸۳٪ در نوسان میباشد ضریب آلفای کرونباخ ۷۹٪ و در حد بالا بیانگر دقت ابزار سنجش است

نگرش پاسخ گویان نسبت به گویه های طیف احساس تعلق فرد به خانواده (جدول ۳)

ضریب همبستگی پیرسون	میانگین عددی	کاملاً موافق		موافق		تا حدودی		مخالف		کاملاً مخالف		گویه
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۰/۶۵	۳/۶۱	۴/۱	۷	۳۱/۶	۵۴	۲۰/۵	۳۵	۳۱/۶	۵۴	۱۲/۳	۲۱	رابطه چندان خوبی با خواهران و برادرانم ندارم
۰/۵۸	۳/۸۷	۲۸/۷	۴۹	۴۵	۷۷	۱۴/۶	۲۵	۷/۶	۱۳	۴/۱	۷	خانواده ام را با هیچ چیز عوض نمی کنم.
۰/۷۳	۳/۱۲	۷/۶	۱۳	۲۹/۲	۵۰	۱۷	۲۹	۳۶/۳	۶۲	۹/۹	۱۷	رابطه پدر و مادرم در منزل مبتنی بر درگیری و کشمکش است.
۰/۷۱	۳/۱۷	۱۵/۲	۲۶	۲۴	۴۱	۲۸/۱	۴۸	۲۸/۱	۴۸	۴/۷	۸	از اینکه در این خانواده متولد شده ام احساس خوشبختی میکنم
۰/۶۵	۳/۴۲	۱۲/۹	۲۲	۴۳/۹	۷۵	۱۸/۷	۳۲	۲۴/۶	۳۶	۳/۵	۶	ترجیح می دهم اوقات فراغت خود را با خانواده ام سپری کنم

بررسی نگرش پاسخ گویان نسبت به تعلق ایشان به خانواده بیانگر احساس تعلق ایشان به خانواده در حد متوسط و زیاد است. میانگین عددی ۳/۴۲ می باشد که در حد متوسط - زیاد بوده و از ۳/۱۲ تا ۳/۸۷ نیز در نوسان است. ضریب الفای کرونباخ

حاصل از آزمون پایانی نیز ۰/۶۶ درصد است. که در حد بالایی است. ضریب همبستگی پیرسون نیز از ۰/۵۸ تا ۰/۷۲ متغیر است. که بیان کننده قوی و معنادار بودن گویه هاست.

نگرش پاسخ گویان نسبت به گویه های طیف دسترسی به امکانات (جدول شماره ۴)

میزان پذیرش گویه	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین عددی	ضرایب همبستگی پیرسون
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
میزان دسترسی به اطلاعات فرهنگی و تحصیلی	۲۳/۵	۴۰	۳۱/۸	۵۴	۳۵/۳	۶۰	۱۱	۶/۵	۵	۲/۹	۲/۳۴	۰/۷۳
میزان دسترسی به اطلاعات مالی	۴۰/۶	۶۹	۳۱/۸	۵۴	۱۵/۹	۲۷	۹	۵/۳	۱۱	۶/۵	۲/۰۵	۰/۶۷
میزان دسترسی به اطلاعات شاغلین	۲۱/۸	۳۷	۳۴/۱	۵۸	۳۵/۳	۶۰	۹	۵/۳	۶	۳/۵	۲/۳۵	۰/۷۸
میزان دسترسی به اطلاعات ازدواج	۷/۱	۱۲	۱۴/۱	۲۴	۴۴/۱	۷۵	۴۸	۲۸/۲	۱۱	۶/۵	۳/۱۳	۰/۶۲

تفاوت در سر جمع ها به دلیل پاسخ های بی جواب است.

بررسی جدول فوق بیانگر این مطلب است که دسترسی به امکانات در جامعه آماری (متنازعین که اکثرا حاشیه نشینند) در حد نسبتا کم است ۷۲/۴ درصد ایشان در حد کم و خیلی کم دسترسی به اطلاعات مالی داشته و ۵۵/۳ در صد معتقدند که در حد کم و خیلی کم به اطلاعات تحصیلی و فرهنگی دسترسی داشته اند و ۵۵/۹ درصد معتقدند که به اطلاعات شغلی مناسب دسترسی ندارند تنها در خصوص دسترسی به اطلاعات ازدواج ۳۴/۷ درصد معتقدند که به اطلاعات ازدواج در حد زیاد و خیلی زیادی دسترسی دارند ضرایب همبستگی پیرسون حاصل از آزمون ۰/۶۲ تا ۰/۷۸ است ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۵ است که در حد قابل قبولی است پس طیف از پائینی لازم برخوردار است.

نگرش پاسخ گویان نسبت طیف بهداشت روانی (جدول شماره ۵)

میزان پذیرش گویه	کاملاً مخالف		مخالف		تا حدودی		موافق		کاملاً موافق		میانگین عددی	ضریب همبستگی پیرسون
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
اکثر مواقع استرس و دلهره دارم.	۳/۵	۶	۱۲/۴	۲۳	۱۲/۴	۲۳	۱۲/۴	۹۱	۵۲/۹	۲۹	۲/۳۴	۰/۶۸
همه ما در مقابل آرامش جامعه مسئولیم	۱/۳	۲	۱۸/۱	۳۱	۵۰	۲۹/۲	۵۸	۳۳/۹	۳۰	۱۷/۵	۳/۴۹	۰/۵۱
زود عصبی می شوم و جوش می آورم.	۲/۳	۴	۷	۱۲	-	-	۱۰۰	۵۸/۱	۵۰	۲۹/۱	۱/۹۵	۰/۶۵
در هر شرایطی انسان باید آرامش خود را حفظ نماید.	۱/۲	۲	۱۸	۳۱	۵۲	۳۰/۲	۶۳	۳۶/۶	۲۴	۱۴	۳/۴۴	۰/۵۲
با کوچکترین چیزی از کوره در میروم.	۲/۹	۵	۱۲/۸	۲۲	۱۴	۸/۱	۱۰۱	۵۸/۷	۳۰	۱۷/۴	۲/۲۵	۰/۶۹
در زمان عصبانیت سعی می کنم تصمیم گیری نکنم.	۱/۷	۳	۴۸/۵	۴۹	۴۶	۲۶/۷	۵۵	۳۲	۱۹	۱۱	۳/۲۲	۴۸

تفاوت در سر جمع ها به دلیل پاسخ های بی جواب است.

بررسی نگرش پاسخ گویان نسبت به طیف بهداشت روانی نشان دهنده این مطلب است که در جامعه نمونه آماری که اکثراً از متنازعین حاشیه نشین اند. بهداشت روانی در ابعاد بسیار پایین است. بطوریکه ۸۷/۲ درصد از آنها موافق و کاملاً موافق با

گویه اول‌اند. و ۷۶/۱ درصد نیز موافق و کاملاً موافق با گویه پنجم‌اند. و ۶۹/۸ درصد موافق و کاملاً موافق با گویه چهارم‌اند. میانگین عددی گویه‌ها نیز از حداقل ۱/۹۵ تا حداکثر ۳/۴۹ در نوسان و ضریب آلفای کروسباخ تحقیق ۰/۶۸ بوده که نشانگر پایانی تحقیق است.

نگرش پاسخ‌گویان نسبت به گویه‌های طیف احساس تعلق فرد به خانواده (جدول شماره ۶)

گویه	کاملاً مخالف		مخالف		تا حدودی		موافق		کاملاً موافق		میانگین عددی	ضریب همبستگی پیرسون
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
ترجیح می‌دهم اوقات فراغت خود را با خانواده‌ام سپری کنم	۳/۵	۶	۲۴/۶	۳۶	۱۸/۷	۳۲	۷۵	۴۳/۹	۲۲	۱۲/۹	۳/۴۲	۰/۶۵
رابطه چندان خوبی با خواهران و برادرانم ندارم	۱۲/۳	۲۱	۳۱/۶	۵۴	۲۰/۵	۳۵	۵۴	۳۱/۶	۷	۴/۱	۳/۶۱	۰/۶۵
رابطه پدر و مادرم در منزل مبتنی بر درگیری و کشمکش است.	۹/۹	۱۷	۳۶/۳	۶۲	۱۷	۲۹	۵۰	۲۹/۲	۱۳	۷/۶	۳/۱۲	۰/۷۳
از اینکه در این خانواده متولد شده‌ام احساس خوشبختی می‌کنم	۴/۷	۸	۲۸/۱	۴۸	۲۸/۱	۴۸	۴۱	۲۴	۲۶	۱۵/۲	۳/۱۷	۰/۷۱
خانواده‌ام را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم.	۴/۱	۷	۷/۶	۱۳	۱۴/۶	۲۵	۷۷	۴۵	۴۹	۲۸/۷	۳/۸۷	۰/۵۸

بررسی نگرش پاسخ‌گویان نسبت به تعلق ایشان به خانواده بیانگر احساس تعلق ایشان به خانواده در حد متوسط و زیاد است. میانگین عددی ۳/۴۲ می‌باشد که در حد متوسط - زیاد بوده و از ۳/۱۲ تا ۳/۸۷ نیز در نوسان است. ضریب آلفای کروسباخ

حاصل از آزمون پایانی نیز ۰/۶۶ درصد است. که در حد بالایی است. ضریب همبستگی پیرسون نیز از ۰/۵۸ تا ۰/۷۲ متغیر است. که بیان کننده قوی و معنادار بودن گویه هاست.

میزان پذیرش گویه	کاملاً مخالف		مخالف		تاحدودی		موافق		کاملاً موافق	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اگر مسئله ناموسی در خانواده رخ دهد، قانون باید به جای خانواده فرد خاطی را ادب کند.	۶۴	۳۷/۹	۵۸	۴۴/۳	۳۳	۱۹/۵	۷	۴/۱	۷	۴/۱
باید به رأی دادگاه حتی اگر علیه ما باشد احترام گذاشت.	۴۷	۲۷/۸	۵۲	۳۱/۴	۴۸	۲۸/۴	۱۷	۱۰/۱	۴	۲/۴
باید از ارجاع پرونده نزاع به شورای حل اختلاف استقبال و به آن اعتماد کرد.	۱۹	۱۱/۵	۵۶	۳۲/۹	۶۳	۳۸/۲	۷	۴/۲	۲۰	۱۲/۱
قوانین و مقررات برای جلوگیری از نزاع‌ها خوب و کافی است.	۲۴	۱۴/۴	۴۴	۲۶/۳	۷۵	۴۴/۹	۲۰	۱۲	۴	۲/۴
قانون باید درگیری‌هایی را که بین افراد پیش می‌آید حل کند.	۷	۱/۴	۲۰	۱۱/۶	۶۶	۳۸/۴	۵۴	۳۱/۴	۲۵	۱۴/۵
اگر مراجع قانونی نتوانند در بروز اختلافات خوب و عادلانه تصمیم بگیرند، اشخاص خود باید اقدام به انتقام جویی کنند.	۱۳	۷/۷	۶۰	۳۵/۵	۵۲	۳/۸	۲۷	۱۶	۱۷	۱۰/۱
اگر بین من و کسی درگیری پیش آید، ترجیح می‌دهم خودم آن را حل کنم.	۸	۱۴/۷	۸	۴/۷	۶۵	۳۸/۵	۸۸	۵۲/۱	-	-

بررسی عوامل مؤثر بر شرکت و گرایش به شرکت در منازعات

الف- آزمون همبستگی پیرسون

متغیرهای میزان احساس تعلق فرد به خانواده، تعصب قوی، بهداشت روانی، قانون گرایی، سن، درآمد متغیرهای شئی اند که برای بررسی رابطه آنها با میزان شرکت پاسخ گوینان و گرایش آنها در منازعات از آزمون همبستگی پیرسون استفاده میشود. نتایج حاصل از این آزمون نشان میدهد میزان تعصبات قومی قبیله ای ($R=29$) میزان بهداشت روانی ($R=16$) میزان درآمد ($R=08$) میزان دسترسی به امکانات ($R=07$) میزان سن ($R=02$) و میزان تعلق به خانواده ($R=002$) است. بنابراین بیان شد با افزایش تعصبات قومی قبیله ای میزان شرکت افراد در منازعات افزایش می یابد و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای نسبی با میزان شرکت پاسخ گوینان در منازعات مثلاً با کاهش بهداشت روانی منازعات افزایش می یابد. جداول ذیل بیانگر موضوع می باشند.

آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر گرایش فرد
به منازعات با متغیرهای مستقل نسبی (جدول شماره ۷)

نام متغیر	تعصب قومی قبیله ای	بهداشت روانی	قانون گرایی	درآمد	دسترسی به امکانات	سن	احساس تعلق به خانواده
R	۰۶۶	-۰۶۲	-۰۵۳	-۰۱۹	-۰۳۷	-۰۰۱	-۰۴۲
P-Value	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۱	۰۰۰	۰۸۵	۰۰۰

آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر شرکت فرد
به منازعات با متغیرهای مستقل نسبی (جدول شماره ۸)

متغیر	تعصب قومی قبیله ای	بهداشت روانی	قانون گرایی	درآمد	دسترسی به امکانات	سن	احساس تعلق به خانواده
R نام	۰۳۹	-۰۱۶	-۰۱	۰۰۸	۰۰۷	-۰۰۲	۰۰۳
P-Value	۰۰۰	۰۰۴	۰۲	۰۲۹	۰۳۹	۰۸۲	۰۹۷

نتیجه گیری

بر این اساس می توان بیان داشت که عوامل متعددی در گرایش افراد به نزاع دخالت دارند، چرا که در شکل گیری آن هم مسائل و مشکلات روحی، روانی، عاطفی موثرند و هم مسائل اجتماعی و فرهنگی نقش دارند. تشخیص دقیق این که کدام عامل تأثیر گذارتر است چندان ساده نیست پس نزاع یک پدیده چند بعدی است.

در پژوهش حاضر علل و عوامل گرایش به نزاع و درگیری شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

اکثر جامعه آماری یعنی حدود ۹۱/۹ درصد از پاسخگویان از حاشیه نشینان شهر قم بوده اند در واقع این تحقیق مبین این مطلب است که بیشتر متنازعین در حاشیه شهر ساکن اند.

حاشیه نشینان به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به حاشیه شهرها مهاجرت کرده و بر اساس تحقیق از قومیت های مختلف بوده و دارای گرایشات فرهنگی و اجتماعی گوناگون اند. با توجه به این که در برنامه های شهرنشینی مدون تدوین شده در شهرها امکانات مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی برای این محلها و این افراد در نظر گرفته نشده است افزایش چنین مکانهایی خود به خود منجر به ایجاد فاصله طبقاتی و یا حداقل ایجاد تفکر وجود این موضوع در بین حاشیه نشینان خواهد شد و این مطلب در این تحقیق مورد تایید قرار گرفت ضمن اینکه عدم دسترسی به شغل مناسب و امکانات آموزشی و تفریحی نیز از نتایج این پدیده خواهد بود. از دلایل اصلی درگیری در بین حاشیه نشینان می توان به اختلافات ملکی، مسائل ناموسی، تعصبات خویشاوندی و قومی، انتقام جویی و گفتار و رفتار توهین آمیز و... می باشد که بر اساس مبانی نظری تحقیق نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این تحقیق نگرش پاسخگویان که اکثرا از حاشیه نشینان اند در ۵ طیف اصلی بهداشت روانی، تعصبات قومی قبیله ای، قانون گرایی، دسترسی به امکانات و احساس تعلق فرد به خانواده در جهت اثبات مبانی نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن نیز موید نظریات مطرح شده است.

به این مسئله نیز می باید اذعان نمود که نقش بیکاری، خرده فرهنگ ها - کمبود امکانات تفریحی و... در بروز نزاع و درگیری و همچنین وقوع جرایم دیگر بی تأثیر نیست و باید مسئولین امر، به ویژه در حاشیه شهرها، معضل بزهکاری، فعال نمودن مسئولین - تنظیم خانواده فرهنگسازی و فعال کردن فرهنگسراها و ایجاد مراکز تفریحی و... اقدام تا نزاع و درگیری به دیگر قسمت های شهر نیز کشیده نشود.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های تحقیق و نتایج حاصله، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد.
۱- جلوگیری از افزایش حاشیه نشینی و از بین بردن علل مهاجرت افراد مانند علل اقتصادی.

۲- ارائه و آموزش فرهنگ شهرنشینی به عنوان فرهنگ غالب در حاشیه شهرها به منظور جلوگیری از تداخل فرهنگی که موجب نزاع می‌گردد.

۳- آموزش حقوق و وظایف شهروندی و ترسیم راه‌های دفاع از حقوق شخصی و اجتماعی زندگی جدید در شهرها و روستاها، متکی و مبتنی بر قوانین و هنجارهای رسمی است که حقوق و تکالیفی را برای اعضای جامعه تعیین می‌کنند. این حقوق و تکالیف که مبتنی بر برابری همه اعضای جامعه در برابر قانون و برخورداری همگان از حقوق یکسان قانونی است، چارچوب رفتار شهروندی را تشکیل می‌دهند. بنابراین وقتی سخن از شهروندی می‌رود، تمام شهرنشینان و روستائینی که مشمول قوانین رسمی می‌شوند، مدنظر قرار می‌گیرند. بر این اساس شناخت حقوق و وظایفی که قانون برای تمامی اعضای جامعه مشخص نموده است، و همچنین شناسایی راه‌ها و روش‌های دفاع از حقوق شخصی و اجتماعی باعث می‌شود تا شهروندان نیازی به توسل به شیوه‌های ناهنجار برای استیفای حقوق خود نداشته باشند. همچنین آشنایی بیشتر با مهارت‌های زندگی و اقتضات زندگی جدید به ویژه مواردی مثل آیین‌های رانندگی، حقوق همسایگی در جامعه شهری، ضوابط و شیوه‌های اداری و امثال آن، موجب آرامش بیشتر مردم و کنترل عوامل برانگیزاننده شهروندان به رفتارهای پرخاشگرانه خواهد شد.

۴- تقویت فعالیت رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما و افزایش و ارتقای نظام آموزشی در مسیر ارتقای آگاهی عمومی، موقعیت ارزشمندی را فراهم کرده‌است تا فرایند جامعه پذیری شکل کامل تری به خود بگیرد و خلاهای این فرایند که در جریان تغییرات شتابان اجتماعی محسوس‌تر و جدی‌تر شده است، برطرف گردد. فعالیت این دو حوزه برای گسترش آگاهی‌های عمومی، به ویژه آشنایی بیشتر با روندهای قضایی و قانونی، راهکاری برای مهار بسترهای پرخاشگری و نزاع در جامعه می‌باشد.

۵- آموزش معلمان و مدیران مدارس، و مراکز آموزشی، تفریحی در مورد نحوه و چگونگی برخورد با ناهنجاری و بد اخلاقی‌های موجود در محیط کاری آنها و همچنین در صورت وقوع درگیری و نزاع در مراکز مذکور، برخورد مناسب و قاطع با عاملین بی‌نظمی و مطلع نمودن خانواده‌های آنها و اخذ تعهد از آنها مبنی بر اینکه در صورت تکرار ناهنجاری، عامل ناهنجاری از محیط آموزشی اخراج خواهد شد.

۶- اقدام همه جانبه از سوی سازمانها و مراجع ذیربط در جهت فراهم نمودن امکانات مناسب فرهنگی و اجتماعی و اشتغال زایی در نقاط مختلف شهرستان بویژه حاشیه شهر.

۷- تعیین حدود و ثغور املاک و اراضی افراد از طریق ثبت رسمی املاک مذکور با کمک گرفتن از بزرگان و ریش سفیدان هر منطقه به منظور کاهش اختلاف‌های ملکی.

۸- پیش بینی یک گروه کار آزموده و حرفه‌ای به منظور مداخله در نزاع و درگیری در واحدهای پلیس که در صورت اعلام جرم نزاع و درگیری بتواند با موضوع برخورد مناسب و کارآمد داشته و مانع گسترش نزاع گردد. همچنین در صورت اعلام جرم از سوی مردم حضور به موقع و سریعتر و مقتدر پلیس در محل نزاع و اقدام به دستگیری عاملین اصلی نزاع، و به ویژه اقدام به دستگیری اشخاصی که طرف نزاع نبوده و صرفاً از روی غیرت و تعصب در نزاع شرکت داشته‌اند، چرا که اگر افراد حمایت و استمداد خانواده طایفه را احساس نکنند، احتمال کمتری وجود دارد که اقدام به ارتکاب به نزاع دسته جمعی و فردی نمایند.

۹- تشکیل و تأسیس گروه‌هایی در روستاها و محلات به سرپرستی و نظارت ریش

سفیدان و کدخدایان محل برای مداخله بموقع و سازنده در اختلافات محلی و گسترش فرهنگ میانجی گری در حل و فصل اختلافات، و در صورتی که بیم درگیری و نزاع برود اطلاع دادن به مراکز پلیس. (تقویت شوراهای حل اختلاف)

۱۰- برخورد پلیسی و قضایی مناسب با عاملین و مرتکبین نزاع،

۱۱- کنترل اراذل و اوباش و افرادی که درصدد نزاع و درگیری می‌باشند توسط مأموران پلیس و پیش بینی راهکارهای مناسب پیشگیری از این جرم.

منابع

- توکلی، مهدی (۱۳۸۴). شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی.
- جرج ولد و دیگران (۱۳۸۷). جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم شناسی). ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ اول، تهران: سمت.
- راب وایت، فیو ناهینز (۱۳۸۳). جرم شناسی، متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی. ترجمه علی سلیمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- ستوده، هدایت اله و دیگران (۱۳۸۷). روان شناسی جنایی. چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۵). جامعه شناسی انحرافات. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۵). جامعه شناسی کجروی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- صادقی، محمد هادی (۱۳۷۶). حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). تهران: میزان.
- صالح ولیدی، محمد (۱۳۷۴). حقوق جزای اختصاصی. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

– صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۸۵). آسیب شناسی اجتماعی. چاپ دوم، تهران: انتشارات آن.

– صرافی، مظفر و محمدی، علی رضا (۱۳۸۴). شکل گیری و گسترش اسکان غیر رسمی، علل، چالش ها، راهبردها (مطالعه موردی محله ترانس در شهر زنجان). نشریه دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱، صص ۵۴-۳۹.

– فتح الهی، سید سیامک (۱۳۸۳). قانون مجازات اسلامی به انضمام جدول کاربردی جرایم. تهران: انتشارات معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی.

– کی نیا، مهدی (۱۳۷۰). مبانی جرم شناسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحرافات اجتماعی. چاپ اول، تهران: علم.

– معاونت برنامه ریزی استانداری قم (۱۳۸۵). گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان قم در سال ۱۳۸۵. قم: انتشارات استانداری قم.

– دانش، تاج زمان (۱۳۷۸). مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟. چاپ سوم، تهران: کیهان.

– کلانتری، محسن؛ توکلی، مهدی (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهری. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم پلیس پیشگیری ناجا، سال دوم، شماره دوم، صص ۷۵-۱۰۰.

– کلانتری، محسن (۱۳۸۰). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. پایان نامه دوره دکتری رشته جغرافیا (گرایش برنامه ریزی شهری)، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.

– Conzes, P. M. & Hillier, D. & Prescott, G. (2000). Crime and the Design of New Build Housing and Country Planning, Vol. 62, P. 231 .

– Clarke ,R. (1997), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies , 2nd Edition , Harrow and Hetson , New York .

– Fiens, J. D. Epstein, J. C. and Widom, R. (1997), Solving Crime Problems in Residential Neighborhoods, Comprehensive Change in Design , Management and Use , National institute of justice , Us Department of justice



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز